

هم آماری از تعداد افرادی که درگیر بیماری شده‌اند ارایه خواهیم داد.» او معتقد است همه مردم باید به پا خیزند و قبل از هر چیز ویروس دلمردگی را از بین ببرند. ویروسی که می‌تواند خطرناک‌تر از هر بیماری دیگری باشد. این را محمد ایرانمنش، اقتصاددان و فعال حوزه مدیریت بحران که از موسسان حامیان محیط‌زیست اکیاتان هم است تأیید کرده و به «شهروند» می‌گوید تجربه بحران‌های مختلف در سالیان گذشته نشان داده در حین این بحران‌ها، مردم و جامعه مدنی فعال می‌شوند و باید از این دوران برای تقویت جامعه مدنی استفاده کرد. «شاهدیم مردم با قدرت حاضر شده‌اند و در زمینه کمک‌های مالی اتفاقات خوبی افتاده و باید این در زمینه‌های دیگر هم تقویت شود. این درحالی است که می‌دانیم جایگاه جامعه مدنی در کشور ما بسیار ضعیف شده است و به همین دلیل هم بسیار لطمه می‌بینیم.» ایرانمنش حدود ۱۹سال است که ساکن اکیاتان است و سه دهه در حوزه مدیریت بحران‌ها تلاش کرده. از نظر او ما مرعوب فاجعه‌ایم و مدیریت ریسک ساخته که پیش از بحران‌ها باید فعال باشد، کم‌رمق و بی‌جان است: «سال‌هاست در اکیاتان جامعه مدنی فعال است و از سال ۹۳ به بعد فعالیت‌ها بیشتر هم شد. برای مثال مردم برای ساخته نشدن مگمال تلاش‌های بسیاری کردند. قرار بود جای مگمال فضای سبز ساخته شود تا هوا هم راحت‌تر جریان یابد اما نشد. مسأله‌ا اما آنجاست که تلاش برای بهبود در این مکان زیاد است و بعد از آنکه فضای شورایی از سال ۹۳ تغییر کرد و ائتلاف همراهان محیط‌زیست در آن زیاد شدند کارهای گروهی که قبلا مختص چند بلوک بود به سطح کلان کشانده شد.» او می‌گوید فضا به سمت خوبی از این نظر در حرکت است و در عین حال فقط نمی‌توان به مردم بسنده کرد و دولت هم باید همراهی کند تا با کم کردن فشارها اجازه دهد روحیه مردم عوض شود: «در این شرایط ارتباطات مجازی کفایت نمی‌کند. مردم باید بتوانند از پشت پنجره خانه‌هایشان همسایه‌هایشان را ببینند و با آنها در تجربه‌ای مشترک شریک شوند، حرف بزنند و همخوانی کنند تا بتوانند از فضای سخت موجود عبور بگردند.»

راهی برای تقویت پیوندهای اجتماعی

بلوک‌های اکیاتان با صدای مردان و زنان و کودکانی به صدا درآمدند که در خانه مانده‌اند و امیدوارند بتوانند بهار خوبی را تجربه کنند. نمونه‌اش سارا ثابت، پژوهشگر و کنشگر شهری است که چهار سالی می‌شود ساکن اکیاتان است. او صدای خواندن مردم را از دور شنیده و می‌گوید بلوک‌های اکیاتان فضاهای خاصی دارند و خانه او که جزو ساکنان خانه‌های روبه‌روی ایستگاه مترو است به صورت مستقیم با ساکنان دیگر خانه‌ها ارتباط نداشته؛ اما او هم به کنار پنجره آمده و با مردم شهرکش همراه شده است: «این اتفاق بیشتر در بلوک‌های فاز دو رخ داده که معروف به مسیر سلامتی است و همین‌طور جاهایی که میدانچه‌هایی دارد هم شاهد این اتفاق بوده. همه اینها نشانه است. نشانه از اینکه فضای اجتماعی و تعامل مردمی مهم است و هرکجا که با برنامه‌ریزی‌هایی که معماری شهری داشته این اتفاق پیش آمده و مردم توانسته‌اند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند.» او می‌گوید علاوه بر اکیاتان، فضای نارمک هم این حس را دارد و این فضا علاوه بر آن‌که کالبدی است، الگویی اجتماعی و تعاملی هم دارد و فقط شکل و شمایل و کالبد ساختمان‌ها اهمیت ندارد؛ ارتباط آدم‌ها با یکدیگر و از سویی زندگی طولانی مدت در یک مکان که حس محله‌محوری به فرد می‌دهد هم اهمیت بسیاری در شکل‌دهی به این وضع دارد. «اگر می‌خواهیم شاهد فضایی از این دست در شهر باشیم و در زمان بحران‌ها از آن بهره ببریم باید سرمایه‌گذاری‌های شهری به این سمت و سو بود و مدیران شهری اهمیت این موضوع را حس کنند. اتفاقی که در بسیاری از شهرهای کشور نمی‌افتد.» ثابت می‌گوید حضور مردم و همراهی‌شان از پشت پنجره‌ها همان‌طور که در همه دنیا رخ داد در ایران هم باید بیشتر شود و از آن بهره‌گرفت و تلاش کرد تا پیوندهای اجتماعی را برترنگ و تقویت کرد. «ما در دهه بیست و سی شمسی در کشورمان شاهد شکل‌گیری بلکن در معماری هستیم. این بلکن و بیرون آمدن همان ارتباطی است که در محلات به آن نیاز بود اما بعدها سوداگری در ساخت‌وساز آن را حذف کرد. چرا که قیمت بلکن ارزان‌تر از ملک حساب می‌شود و این برای بساز بفروش‌ها به‌صرفه نبود و در نتیجه آنها در طول سالیان متمدای درصد حذف آن برآمدند. اتفاقی که خوب نبود و شورای عالی شهرسازی باید در قانون آن بازنگری داشته باشد.» این پژوهشگر حوزه شهری معتقد است هرچند فضای اکیاتان متفاوت است و پژوهش‌های بسیاری هم درباره‌اش انجام گرفته اما لازم است فضایی ایجاد شود تا این تصویر را در بخش‌های مختلف شهرها ببینیم و همین هم باعث می‌شود روحیه مردم بالا برود. □

ادامه از صفحه اول

در روزگار کرونایی برای مردمان کم‌برخوردار چه کنیم؟

آب هنوز الفبای نجات در حاشیه‌های دور از دسترس است

آیا برای روستاییانی که اغلب آنها به‌سختی زبان فارسی را می‌فهمند، چاره‌ای اندیشیده شده است؟ قطع زنجیره ارتباط در میان خانواده‌های روستایی با الگوی جمعی، اساساً به‌چه شکل انجام‌پذیر است؟ در برخی تصاویر منتشرشده، می‌بینیم به مردم این مناطق ماسک و دستکش می‌دهند، اما تجربه فعالان اجتماعی و سمن‌های مختلف نشان می‌دهد در دسترس قرار دادن آب سالم و انواع مواد شوینده، دستمال کاغذی و مواردی از این دست، به مراتب موثرتر از توزیع ماسک یک‌بار مصرف است. همچنین در این مسیر بخشداران، دهیاران، راهبران آموزشی، اعضای شورایی و آموزگاران می‌توانند در آموزش و انتقال درست و صحیح بحران پیش‌آمده و راه‌های مواظبت و تفهیم جدیت در این برهه نقشی مهم و کارآمد ایفا کنند.

به‌خصوص در صورت وقوع هرگونه فوتی، باید از پیش نحوه خاکسپاری و جلوگیری از لمس فرد متوفی و مبتلا به‌طور جدی آموزش داده شود. صرف حرکت یک وانگ و گردش آن در شهرستان‌های کوچک و عبور از کنار انبوهی از حاشیه‌نشینان و یک صدای گوش‌خراش هشداردهنده، برای خانواده حاشیه‌نشین قابل فهم و راهگشا نیست. اگر به موقعیت خطرناکی که ناخواسته در آن قرار گرفته‌ایم، اشراف داریم، موظف هستیم با فوریت هر چه تمام‌تر، خانواده‌های روستایی را دریا بیایم.

توزیع سریع تانکرهای آب در لیتراژهای مختلف و نیز بسیج تانکرهای آبرسان برای پر کردن این تانکرها و در اختیار گذاشتن انواع شوینده‌ها، در کنار آموزش‌های سریع و ضربتی، می‌تواند آمار مبتلایان روستایی و حاشیه‌نشین را کاهش دهد و به حفظ سلامت جامعه کمک کند. □



محسن کمالزاده □

اکیاتانی‌ها از پشت پنجره‌ها «ای ایران» خوانند

آواز همدلی در قرنطینه

«شهروند» در تاریکی شب، این آواز از پشت پنجره‌ها شنیده می‌شد: «مهر اگر برون شود، تهی شود دلم». این صدای همدلی اهالی شهرک اکیاتان در یکی از شب‌های قرنطینه بود؛ زنجیره امیدیی که دیوار به دیوار از شرق دور به تهران رسید. پیش از آن در ماه ژانویه، فریادهای امیدبخش «قوی باش ووهان» از بالکن‌های اهالی ووهان در چین بلند شده بود. آن زمان هنوز وحشت از بیماری به ایران و ایتالیا نرسیده بود. اکنون ویروس همه‌گیر بسیاری از مردم جهان را به قرنطینه خانگی واداشته و تنها شعله‌های کوچکی از امید، دل‌های آدم‌ها را گرم کرده است. مردم ایتالیا که کرونا ویروس جدید در کشورشان تاخته و وضع را قرمز کرده، در چند روز گذشته به بالکن‌ها آمدند و سرود ملی و آوازهای محلی‌شان را خواندند و برای پرستاران و پزشکانی که در صفا اول مقابله با بیماری‌اند، هورا کشیدند. یکشنبه شب این شکل سپری کردن قرنطینه، به ایران سرایت کرد و همخوانی سرود «ای ایران» به مردم دلگرمی داد. در این روزهای آخر اسفند که گروهی از مردم قرار همخوانی گذاشتند، خیابان‌ها مثل همیشه شلوغ نیست. بسیاری در قرنطینه خودخواسته در خانه نشسته‌اند، نه مثل همیشه درگیر خرید عیدند و نه در نوروز بنای دید و بازدید دارند. تحمل این خانه‌نشینی طولانی‌ها اما با حرکت جمعی تازه‌ای که به تهران هم سرایت کرده، آسان‌تر شده است.

همین که یکدیگر را دیدیم، امیدبخش بود

یکشنبه شب، صدای هورا کشیدن و دست‌زدن و سوت‌های ممتد، در شهرک اکیاتان تهران بلند شد. کوچی و خیابان خلوت بود. صدا از پنجره‌ها و بالکن‌ها می‌آمد، مثل یک کنسرت در فضای باز. قرار همخوانی از ساعت ۵-۴ بعدازظهر در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست شده بود. دوست‌ها و آشناها به هم پیام دادند و وعده‌کردند به گردهمایی در پشت پنجره‌ها. ساکنان بلوک‌های مختلف پشت پنجره‌ها به دیدن هم آمدند تا همین که عقربه‌ها روی ساعت ۹ ایستاد، بزنند زیر آواز.

سیاوش یکی از ساکنان بلوک سه همان وقت با دو دوست دیگرش همراه شد: «رویم نمی‌شد که تنهایی بیایم لب پنجره آواز بخوانم. تا قبل از آن روزها در خانه بودیم. رفتیم به خانه دوستم در همسایگی‌مان. بالاخره دل‌مان را زدیم به دریا و خواندیم. نیم ساعت طول کشید و یکی از بهترین دقیق این روزها بود. بعد از این همه خانه‌نشینی، آواز خواندن حال خیلی خوبی داشت. برگزاری این مراسم بلوک به بلوک فرق می‌کرد و صدای آدم‌های دیگر هم از دورتر به گوش‌مان می‌رسید. هرچه بود، انجام این برنامه‌های جمعی، تأثیر زیادی در روحیه همه ما دارد. بالاخره عید است، فصل دارد عوض می‌شود و این زمان‌ها یک شور عمومی باعث همدلی شده است. اما ویروس و بیماری، امکان بروز این احساس را از ما گرفته و هر کس در خانه خودش تنها شده است. خیلی از ما، تجربه تنها ماندن، معاشرت نکردن و بیرون رفتن را به‌خصوص در این روزها نداریم. این نوروز با همه سال‌ها فرق دارد و این‌طور سر کردنش سخت است. برنامه‌های جمعی شبیه این همخوانی، تجربه بسیار امیدبخشی بود. این امید با شادی جمعی ما کمک می‌کند با شرایط روحی بهتری از این روزهای سخت عبور کنیم.»

زرین هم در همان ساعت‌ها برای شرکت در دوره‌ی بلوک هشت در فاز دو شهرک پشت پنجره ایستاد اما خبری از آواز و همخوانی نبود. دوره‌ی شبانه با سوت و دست و گوش دادن به پژواک همخوانی بلوک‌های دیگر تمام شد اما در بلوک ۱۰ صدای «ای ایران» فضا را پر کرده بود. «خواهرم ساکن بلوک ۱۰ است. ساعت‌ها رفته بودند پشت پنجره و دیده بودند که خبری نیست. برای همین بلندگو برده و سرود «ای ایران» را پخش کرده بودند. بعد از چند دقیقه از پشت بیشتر پنجره‌ها صدای همخوانی بلند شده بود.» زرین از روایت‌های مختلف شب آوازخوانی اکیاتانی‌ها از بلوک‌های مختلف شنیده است و گوئی هر بلوک به شیوه خود قرار شبانه اکیاتان را برگزار کرده است. «در بلوک ما با سوت و دست و با شادی از پشت پنجره‌ها برگزار شد و آگویی از همخوانی بلوک‌های دیگر. بیشترین همخوانی در بلوک ۱۰ بود، بلوک کناری ما.»

ویدیوهای قرار شبانه اکیاتان حالا میان ساکنان بلوک‌های مختلف و در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شود. «قرار بود آواز گل‌گلدون من

بلوک‌های اکیاتان با صدای مردان و زنان و کودکانی به صدا درآمدند که در خانه مانده‌اند و امیدوارند بتوانند بهار خوبی را تجربه کنند. نمونه‌اش سارا ثابت، پژوهشگر و کنشگر شهری است که چهار سالی می‌شود ساکن اکیاتان است و سه دهه در حوزه مدیریت بحران‌ها تلاش کرده.

بلوک‌های اکیاتان با صدای مردان و زنان و کودکانی به صدا درآمدند که در خانه مانده‌اند و امیدوارند بتوانند بهار خوبی را تجربه کنند. نمونه‌اش سارا ثابت، پژوهشگر و کنشگر شهری است که چهار سالی می‌شود ساکن اکیاتان است. او صدای خواندن مردم را از دور شنیده و می‌گوید بلوک‌های اکیاتان فضاهای خاصی دارند و خانه او که جزو خانه‌های روبه‌روی ایستگاه مترو است به صورت مستقیم با ساکنان دیگر خانه‌ها ارتباط نداشته؛ اما او هم به کنار پنجره آمده و با مردم شهرکش همراه شده است □

مردم؛ فعالان روزهای بحرانی

مردان و زنان و کودکانی که یکشنبه شب را در بالکن یا پشت پنجره‌هایشان به آواز خواندن گذراندند حالا امیدوارند در این روزها که کرونا ادامه دارد، بتوانند با امید شب‌های بیشتری را پشت پنجره حاضر شوند و چشم در چشم هم‌محلی‌هایشان شب را با موسیقی بگذرانند. ربابه طایفه تبریزی، دبیر شورایی اکیاتان به «شهروند» می‌گوید این اتفاق با برنامه‌ریزی منسجم انجام گرفت و ابتدا قرار بود برای شب چهارشنبه‌سوری عملی شود اما سرعت اتفاقات تلخ رخ داده آن را زودتر عملی کرد: «شهرک اکیاتان دارای هیأت‌مدیره و کمیته‌های مختلف است و همین هم انسجام کار و هماهنگی را بالا برده است. شورای نمایندگان هر بلوک را مدیریت می‌کند و در عین حال هماهنگ با هیأت‌مدیره است. در عین حال کمیته‌های مختلف هم هر کدام با جدیت در این شهرک کارشان را انجام می‌دهند که یکی از این کمیته‌ها، کمیته بهداشت است.» به گفته تبریزی پیش از این وظیفه کمیته بهداشت بیش از هرچیز حفظ فضای سبز، بهبود آن و زیبایتر کردن فضا بود و حالا بهداشت روانی بیش از هرچیز در اولویت قرار گرفته که یکی از نتایج آن تلاش برای حضور افراد در خانه‌هایشان و آوازخوانی است: «ما این کار را هم برای روحیه دادن به کادر درمانی و هم روحیه دادن به ساکنان و دیگر مردمی که فیلمش را دیدند انجام دادیم و امیدواریم بتوانیم آن را ادامه دهیم.» تبریزی می‌گوید یکی دیگر از برنامه‌هایی که در نظر دارند شمع روشن کردن پشت پنجره‌ها برای پزشکان و پرستاران و مردم از دست رفته است. «ما معماری اجتماعی و فرهنگی خوبی در اکیاتان داریم و همیشه هم درصدد بهتر کردنش هستیم تا شاید تسری هم پیدا کند. این درحالی است که مردم شهرک در این مدت برای مقابله با شیوع ویروس بسیار رعایت کردند و کمتر کسی را بیرون از خانه می‌بینید و در آینده